

تحرک شغلی مسئولان سیاسی ایران

(ارائه یک مقیاس)

حمیرا ندیمی*

چکیده

مسئولان سیاسی از جمله تأثیرگذارترین اقشار جامعه هستند و بررسی تحرک اجتماعی (ارتقای موقعیت) آن‌ها از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناختی است. از این رو، مطالعه میزان و نوع تحرک آن‌ها در سلسله‌مراتب ساختار قدرت در جامعه حائز اهمیت است. مقاله حاضر، که بخشی از مطالعه‌ای وسیع‌تر است، با بهره‌گیری از نظریات و روش‌های سنجش تحرک، مقیاس تازه‌ای برای اندازه‌گیری میزان تحرک مسئولان سیاسی در جامعه ایران در بازه زمانی ۸۸-۱۳۵۷ پیشنهاد می‌کند. به این منظور، در فرایندی چندمرحله‌ای ابتدا موقعیت‌های شغلی ایشان شناسایی شد، در مرحله دوم، ساختار سلسله‌مراتبی موقعیت‌ها بر اساس معیارهای موجود در قانون اساسی تعیین گردید. در نهایت، ارزش هر موقعیت برحسب میانگین عددی نظرات مطلعان اصلی در مورد ارزش هر یک از موقعیت‌های سیاسی در سطح فاصله‌ای تعیین گردید. میانگین به دست آمده حاصل استخراج پرسشنامه استاندارد شده‌ای است که در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شده است. در این مقیاس برای اولین بار زمینه‌ای فراهم شد تا ارزش مناصب شغلی مسئولان سیاسی در ایران اندازه‌گیری شود. اندازه‌گیری موقعیت‌های شغلی در سطح سنجش فاصله‌ای انجام شده است. گزارش یافته‌های پژوهشی مربوط به نمرات ارزش موقعیت‌های سیاسی نشان داد که ارزش موقعیت‌های بالای سیاسی در مقطع سال ۱۳۶۸ (اصلاح قانون اساسی) تغییرات اساسی داشته است. همچنین بررسی ارزش موقعیت‌های احراز شده توسط نمونه‌ای از مسئولان سیاسی (رؤسای قوای سه‌گانه) در دوره‌های هشت‌گانه روند تحرک آن‌ها را در مقایسه با یکدیگر نشان داده است. نمرات ارزش موقعیت امکان بررسی عوامل مؤثر بر تحرک در هر مجموعه دلخواه از مسئولان سیاسی را فراهم می‌سازد.

* استادیار دانشگاه شهید بهشتی honad_2001@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۲۱۵

طرح مسئله

در نظام قشربندی جایگاه رهبران سیاسی و تصمیم‌گیران کلان در بالاترین سطوح ساختار سلسله‌مراتب جامعه و در رأس هرم قدرت قرار دارد. پارتو گروهی را که در رأس هرم قدرت قرار دارند "نخبگان (مسئولان) سیاسی" می‌نامد. این گروه از افرادی تشکیل می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم در حکومت نقشی اساسی دارند و قادرند ساختار کلی جامعه و نقش دیگر اعضا را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهند و تنظیم کنند. نخبگان اقلیتی قدرتمند و صاحب نفوذند، زیرا ثروت، بصیرت و هوشمندی دارند (سیمسون و وینر، لغتنامه آکسفورد، ۲۰۰۰). به این ترتیب، فرد پر قدرت کسی است که رفتار او حوزه وسیعی از حیطه‌ای گسترده را تغییر دهد. نخبگان قدرت سیاسی از پتانسیل بالای اعمال قدرت برخوردارند (زونیس، ۱۳۸۷: ۱۰). قابلیت تاریخ‌سازی نخبگان (مسئولان) سیاسی به حدی است که می‌توانند وضع موجود را تغییر دهند، روابط اجتماعی را زیر سؤال ببرند و ساختار جدیدی را تحقق بخشند (ر.ک. ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

نقش مسئولان (سیاسی) در تحولات کشورها همواره مورد توجه دانشمندان بوده است. پارتو بیان کرده است: نخبگان (مسئولان) حکومتی، اقلیتی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهم قابل ملاحظه‌ای در امور حکومت ایفا می‌کنند. این اقلیت، به دلیل برتری یا فضیلت در اقتدار، از بقیه مردم جدا شده‌اند و در جهت به‌کارگیری ابزارهای لازم برای تصاحب کامل قدرت سیاسی و اجتماعی حرکت می‌کنند. از این جهت، نخبگان همواره سعی دارند خود را به موقعیت برتر جامعه برسانند (باتامور، ۱۳۶۹: ۵-۳). از نظر او (پارتو) تحرک اجتماعی، که برای تعادل جامعه اهمیت حیاتی دارد، به ظهور و به قدرت رسیدن گروه‌های نخبه جدید بستگی دارد، اما در شرایط واقعی، تحرک کامل امکان‌پذیر نیست. پارتو معتقد است «آهسته‌شدن این گردش (افراد) ممکن است منجر به افزایش عناصر فاسد در درون طبقاتی گردد که قدرت را در دست دارند یا باعث افزایش عناصر با کیفیت بالا، در درون طبقات زیر دست شود. در این قبیل موارد تعادل اجتماعی ناپایدار شده و با کوچک‌ترین ضربه از بین می‌رود و سپس تعادل و نظم جدیدی برقرار می‌شود» (ر.ک. همان: ۵۱).

انقلاب اسلامي ايران، كه گاه از آن به عنوان آخرين انقلاب قرن بيستم و گاه واپسين انقلاب ياد مي شود (اسپوزيتو، ۱۳۸۸)، به دنبال بنا كردن سيستمي براي برقراري قسط و عدل، دوری از تبعيض و نابرابری و استفاده بهينه از منابع (انسانی) در جهت تعالی انسانها و جامعه بوده است (ر.ك. صحيفه امام، ۱۳۸۴: جلد ۷: ۷۸ و جلد ۱۶: ۱۲۶). شديدترين عصبانيت و برخورد انقلابيون در باب مسئولان نظام سابق، وابستگي آنها به كشورهاي خارجي، حكومت هزار فاميل، و ناشايستگي مسئولان در اداره امور بوده است (ر.ك. همان، جلد ۳: ۴۵۵ و جلد ۴: ۲۶۱). در آن نظام (شاهنشاهي) ورود به مجموعه مسئولان سياسي و تحرك به/در موقعيتهاي بالا تنها براي اقشار و گروههاي خاصي مقدور و امكان پذير بود (زونيس، ۱۳۸۷: ۶۸).

با پيروزي انقلاب اسلامي سلسله شاهنشاهي (پهلوي) منقرض شد و نظام جمهوري اسلامي حاكميت يافت. اكنون پس از گذشت سي سال از عمر نظام جمهوري اسلامي ايران (انقلاب ۱۳۵۷)، زمان مناسبی است كه شرايط موجود و علل و ميزان تحرك در سطح مسئولان سياسي مورد بررسي قرار گيرد.

مسئولان سياسي اقليتي خاص، با نفوذ، و بهره مند از امكانات متعدد هستند، لذا سنجش تحرك اجتماعي آنها در مقايسه با تحرك مردم عادي متفاوت و با دشواريهاي خاصي روبه رو است. به خصوص در جوامعي كه داراي روابط اجتماعي پيچيده ترند و روابط بين شخصي بيش از پابندي به ضوابط قانوني تعيين كننده موقعيت افراد است، اطلاعات به طور دقيق و شفاف ثبت نمي شود و به سهولت قابل دستيابي نيست. در اين جوامع، سطح نازلي از اعتماد اجتماعي به وجود مي آيد و مطالعه موضوعات سياسي با احساس ناامني همراه مي شود و دشواري گردآوري مواد لازم براي سنجش تحرك مسئولان سياسي دوچندان مي گردد. به منظور سنجش تحرك لازم است ارزش موقعيتهاي شغلي بر مبناي مقياسي قابل اعتماد، كمّي و قابل مقايسه تعيين شود.

براي تعيين ارزش موقعيتهاي شغلي در بالاترين سطوح سلسله مراتب ساختار جامعه، ابتدا لازم است هريك از موقعيتها شناسايي و از يكديگر تفكيك شوند و سپس فاصله ارزشي بين آنها مشخص گردد. ارزش موقعيتها نشان دهنده جاگاه شغلي (منزلت) مسئولان سياسي و ميزان قدرت و اقتداري است كه آنها در اتخاذ تصميمات كلان در اداره جامعه دارند و

مقایسه ارزش موقعیت‌ها، میزان و روند تحرک عمودی (صعودی یا نزولی) هر یک از آن‌ها در طول زمان و در مقایسه با دیگر مسئولان را فراهم می‌سازد.

شناسایی میزان و سازوکار تحرک مسئولان سیاسی این امکان را فراهم می‌آورد تا بر اساس آن بتوان در مورد میزان بازبودن جامعه، شایسته‌سالاری، و درجه فسادپذیری نظام سیاسی داوری کرد. افزون بر این، در جامعه ایران، این قبیل پژوهش‌ها از آن جهت حائز اهمیت است که نگرش واقع‌بینانه‌ای از میزان تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی به دست می‌دهد. چنین مطالعه‌ای هم از نظر شناخت عملکرد سی‌ساله نظام سیاسی سودمند است و هم از جهت کاربردی به آسیب‌شناسی شرایط موجود کمک می‌کند. انتظار می‌رود الگویی که این نوشتار برای شیوه ساخت مقیاس تعیین ارزش موقعیت و سنجش تحرک مسئولان سیاسی پیشنهاد می‌دهد، راهگشای فعالیت پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه قشر بندی اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی باشد.

جستجوی نویسنده حاکی از آن است که در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده ساختن مقیاس معتبر و در سطح سنجش فاصله‌ای برای تعیین ارزش موقعیت‌های شغلی در سطوح بالای نظام سیاسی مدنظر قرار نگرفته است. پژوهش حاضر با در نظر داشتن تجربیات انجام شده و امکانات موجود، مراحل ساخت چنین مقیاسی را تشریح کرده است. این مقیاس در بررسی تحرک نمونه‌ای از مسئولان سیاسی سه دهه اول پس از پیروزی انقلاب (سال‌های ۸۸-۱۳۵۷) مورد استفاده قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی

تحرک اجتماعی، که عموماً با بار ارزشی مثبت ارزیابی می‌شود، به معنی آن است که فرد بتواند در جامعه موقعیت خود را تغییر دهد. اگر موقعیت فرد به موقعیت دیگری با ارزش یکسان تغییر کند - پایگاه فرد تغییر نکند - تحرک افقی صورت گرفته است. اما اگر در پی تغییر موقعیت، پایگاه فرد نیز تغییر کند (بالاتر یا پایین‌تر برود) تحرک عمودی است. تحرک عمودی ممکن است صعودی یا نزولی باشد (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۴۲۲). بررسی تحرک اجتماعی (عمودی) در جامعه‌ای اهمیت پیدا می‌کند که در آن نابرابری وجود دارد (بلر و هاوت، ۲۰۰۶).

نابرابري امکان دسترسي به منابعي مانند تحصيلات، ثروت، اعتبار اجتماعي و مانند آنها را، که تسهيل کننده شرايط تحرك هستند، در اختيار معدودي از افراد جامعه قرار مي دهد و اکثريت را از آن محروم مي کند.

اندر روز و لي رابطه ميان نابرابري و تحرك اجتماعي را در ۱۶ کشور پيشرفته صنعتي بررسي کرده اند. ايشان اظهار کرده اند: فرزندانى که (در دهه ۱۹۷۰) در کشورهايي با نابرابري بيشتري رشد کرده اند، (در ۱۹۹۹) کمتر امکان تجربه تحرك اجتماعي را داشته اند. زيرا والدين فقيري امکان فراهم کردن شرايط تحصيلي مناسب را براي فرزندان نداشته اند (اندر روز و لي، ۲۰۰۷). به علاوه، حتي افراد با سطح تحصيلي مشابه، بسته به اينکه از اقشار بالاي جامعه آمده باشند يا پايين، موقعيت هاي متفاوتي در شغل به دست آورده اند (گواکس و ماورين، ۱۹۹۷).

جامعه شناسان براي توصيف نابرابري، مبحث قشربندي را مطرح کرده اند. قشربندي و نابرابري از مهم ترين مفاهيم جامعه شناسي و ريشه بسياري از مسائل اجتماعي است. در نظام قشربندي، "بالا" و "پايين" بر اساس معيارهاي ارزشي تعيين مي شود. مهم ترين ملاک ارزشي، ارضاي نياز و ارزش هاي منتج به آن است و "مالکيت" مهم ترين ابزار ارضاي نياز شناخته مي شود. اما مهم تر از آن، "قدرت" کسب و حفظ مالکيت است. لذا عوامل توليد و ابزار دستيابي به قدرت و مالکيت، از مهم ترين ابزار ارضاي نياز و مهم ترين معيار ارزيبايي طبقه بندي انسان ها در قشرهاي مختلف است (رفيع پور، ۱۳۸۰: ۴۴۱-۴۳۹).

جامعه شناسان مفهوم قشربندي را با طبقه اجتماعي تعريف مي کنند. ماکس وبر طبقه اجتماعي را پديده اي چندبعدي مي داند که بر سه عنصر بنيادي و قابل تشخيص "قدرت"، "ثروت"، و "حيثيت" استوار است (تامين، ۱۳۷۳: ۹؛ کاظمي پور، ۱۳۷۸). وي بين "موقعيت طبقه" و "موقعيت منزلت" تمايز قائل شده است. مهم ترين عامل تعيين کننده شانس زندگي موقعيت طبقه است (اسکات، ۲۰۰۷). از نظر وبر جايگاه اصلي "طبقات" نظام اقتصادي است، اما جاي "گروه هاي منزلتي"^۱ در نظام اجتماعي مي باشد، يعني در چارچوب و حوزه توزيع

^۱ گروه هاي منزلتي، برخلاف طبقات، نوعي جماعت بي شکل هستند. حيثيت اجتماعي ممکن است با هر نوع کيفيت مشترک بين يک گروه و البته با موقعيت طبقاتي ارتباط داشته باشد. دارايي هميشه شرط لازم براي منزلت به شمار نمي رود، اما در بلندمدت چنين کيفيتي پيدا مي شود. با اين حال حيثيت منزلتي معمولاً با تظاهر صرف به داشتن دارايي کاملاً در تعارض است (وبر، ۱۳۸۲: ۲۱۴).

"حیثیت" اجتماعی. در این حوزه، طبقات و گروه‌های منزلتی بر یکدیگر و نیز بر نظام حقوقی تأثیر می‌گذارند و خود تحت تأثیر این نظام قرار می‌گیرند (ویر، ۱۳۸۲: ۲۲۲). همچنین در شرایطی که نابرابری بالا است، نفوذ سیاسی ثروتمندان در حکومت - از طریق مشارکت مالی - آزادی عمل حکومت در اجرای سیاست‌های مترقی (مانند کاهش نابرابری) را محدود می‌کند (اندروز و لی، ۲۰۰۷).

هاوت نابرابری را توزیع اجتماعی منابع، و تحرک را توزیع اجتماعی پاداش‌ها دانسته است (تورچ، ۲۰۰۵). اقتصاددانان در اندازه‌گیری تحرک به درآمد، و جامعه‌شناسان به شغل توجه دارند (بلر و هاوت، ۲۰۰۶). تحرک از طریق بررسی چگونگی حرکت افراد در موقعیت‌های (شغلی) گوناگون در طول زمان بررسی می‌شود (تورچ، ۲۰۰۵).

تحرک صعودی امکان تغییر موقعیت اقتصادی - اجتماعی افراد در جهت بالاست و میزان دسترسی به این امکان نشان‌دهنده میزان بازبودن جامعه است. بنابراین، تحرک عمودی (صعودی - نزولی) شاخص تعیین میزان بازبودن جامعه است.

در جامعه باز افراد با توجه به استعداد، توانایی و شایستگی از نردبان (موقعیت‌های برتر) اجتماعی بالا می‌روند. شانس بالای تحرک، عامل ثبات در جامعه است (ویکلهایم، ۱۹۹۲)، در حالی که وجود مانع در مسیر ارتقا و تحرک صعودی بحران سیاسی و کاهش مشروعیت نظام را به دنبال دارد (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۵۲).

تحرک اجتماعی از طریق بازتوزیع منابع ارزشمند میان ثروتمندان و فقرا، کاهش تضاد، و کاهش احتمال کودتا، تسهیل‌کننده دموکراسی است. حتی در نظام‌های استبدادی تحرک اجتماعی از طریق کاهش احتمال جنبش‌های توده‌ای در مقابل مسئولان سیاسی به ثبات نظام حاکم کمک می‌کند.

تحرک در میان مسئولان سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است و کمبود یا نبود آن جامعه را به ایستایی ایده‌ها و گرایش‌ها، کاهش کارآمدی رهبران، و تأخیر در رشد اقتصادی می‌کشاند (فورمن پک و اسمیت، ۲۰۰۴).

پیشینه ساخت ملاک‌های سنجش موقعیت شغلی و تحرک

اولین تحقیقات در زمینه تحرک اجتماعی از دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آغاز شد. اما از دهه ۱۹۷۰ مطالعات بیشتری در این زمینه به‌خصوص در کشور آمریکا (که میزان نابرابری بالا است) انجام

شده است. بیشتر مطالعات، مربوط به تحرك اجتماعی در مورد عموم مردم بوده است و کمتر به تحرك مسئولان سیاسی پرداخته شده است.

از جمله مهم‌ترین تحقیقاتی که به موضوع تحرك اجتماعی مسئولان سیاسی پرداخته، مطالعات سی رایت میلز در کتاب *نخبگان قدرت*^۱ (۱۹۵۶) است. وی در این کتاب به چگونگی شکل‌گیری (نخبگان) قدرت در آمریکا پرداخته و استدلال می‌کند که طی قرن بیستم یک تمرکز نهادی در نظم سه حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی (آمریکا) رخ داده و قدرت سیاسی از بالا هماهنگ شده است. وی معتقد است افرادی که در بالاترین موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی قرار دارند، زمینه اجتماعی همانندی دارند، از علایق و منافع مشابهی برخوردارند و غالباً به‌طور خصوصی یکدیگر را می‌شناسند. به‌طور خلاصه، تحرك در سطح مسئولان سیاسی تنها در گروه خاصی جریان دارد و برای همه شایستگان اجازه و امکان ورود وجود ندارد (میلز، ۱۳۸۳).

ویلیام دام هوف در ادامه کار میلز، در کتاب «چه کسی بر آمریکا حکومت می‌کند؟»^۲ نشان داده است که طبقه بالا، که گروه اندکی را تشکیل می‌دهند، نه تنها در سه حوزه (میلز)، بلکه در دیگر حوزه‌های مهم نیز در موقعیت‌های سطح بالا حضور دارند (دام هوف، ۲۰۰۲). دانشمند دیگری که در مورد ویژگی مسئولان سیاسی و چگونگی تحرك صعودی آن‌ها بحث کرده پی‌یر بوردیو است. وی در کتاب *تمایز*^۳ (۱۹۸۹) شاخه‌های طبقاتی را با استفاده از متغیر شغل تعیین کرده است (ممتاز، ۱۳۸۳) و در کتاب *اشرافیت دولتی*^۴ (۱۹۹۸) به چگونگی بازتولید انواع سرمایه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نمادی) در حفظ موقعیت‌های برتر در میان مسئولان سیاسی پرداخته است.

هیچ‌یک از این مطالعات در صدد مقایسه کمی ارزش موقعیت‌های برتر (مسئولان) سیاسی نبوده‌اند.

در ایران، مهم‌ترین پژوهش در مورد تحرك مسئولان سیاسی، تحقیق ماروین زونیس در مورد مسئولان سیاسی (دوره پهلوی دوم) است. گزارش این پژوهش در کتاب *مسئولان*

¹ The Power Elites

² Who Rules America

³ Distinction

⁴ The State Nobility

سیاسی ایران^۱ در دانشگاه پرینستون منتشر شد. بحث اصلی این تحقیق میدانی، با مجموعه کوچکی از متغیرها، نشان داد که در میان مسئولین سیاسی نوعی روابط بین فردی وجود دارد که جوهره سیاست ایران را تشکیل داده است (ر.ک. زونیس، ۱۳۸۷: ۲۰). اگرچه در گزارش وی جداول توصیفی زیادی آمده است، در مقایسه ارزش موقعیت‌های بالای سیاسی از سنجه کمی استفاده نشده است.

از این رو مطالعه حاضر درصدد معرفی مقیاس مناسبی جهت تعیین ارزش موقعیت‌های بالای مسئولان سیاسی و فراهم ساختن امکان مقایسه آن‌ها در طول زمان بوده است.

پیشنهاد جهت تعیین ملاک سنجش موقعیت شغلی و تحرک در سطح مسئولان سیاسی بررسی تحرک در هر جامعه‌ای نیازمند مقیاس مناسبی جهت تعیین حد و مرز بالا و پایین در سلسله‌مراتب موقعیت‌ها و نیز اطلاعات شغلی نمونه مورد بررسی از جمله عنوان (موقعیت) شغل، تاریخ انتصاب، و مدت زمان تصدی در آن است.

در بررسی تحرک مسئولان سیاسی، دستیابی به این نیازمندی دارای پیچیدگی و حساسیت بیشتری است. قاعدتاً تعیین جایگاه و مرز بالا و پایین در سنجش ارزش موقعیت‌های بالای سیاسی مبتنی بر اصول قانونی (قانون اساسی و دیگر قوانین مصوب) است.

مطالعات پیشین نشان داد جوامعی که در آن‌ها سلسله‌مراتب واقعی موقعیت مسئولان سیاسی با ساختار رسمی، قانون اساسی و دیگر قوانین مصوب مطابقت دارد و همچنین اطلاعات شغلی افراد به سهولت و به‌طور کامل در اختیار محقق قرار می‌گیرد، سنجش ارزش موقعیت‌ها و بررسی تحرک مسئولان سیاسی با گستردگی، سهولت، و دقت بیشتری امکان‌پذیر است.^۲ اما اندازه‌گیری تحرک (بالاخص در سطح مسئولان) در جوامع کمتر توسعه یافته به دلایل زیر دشوار است: اولاً در این جوامع، تغییرات پی‌درپی و ثبات کوتاه‌مدت است، بنابراین

^۱ The Political Elite of Iran این کتاب در سال ۱۳۸۷ با نام روان‌شناسی نخبگان ایران به فارسی ترجمه شده است.

^۲ به‌عنوان نمونه، دام هوف در پژوهش خود در مورد ساختار نخبگان حاکم در امریکا، اطلاعات مورد نیاز خود را از نشریه سوسیال رجیستر (the social register) و تعیین ارزش موقعیت‌ها را بر اساس سلسله‌مراتب موجود در قانون اساسی استنباط کرده است.

چارچوب قانونى بلندمدت و مصون از تعرض در آنها كمتر ديده مى شود (همايون كاتوزيان، ۲۰۰۳: ۱۱). ثانياً جريان‌هاى سياسى كمتر مبتنى بر نهادهاى رسمى بوده، گرايش‌ها و رفتار افراد پر قدرت (متنفذ) مبنای بررسى تغييرات سياسى قرار مى گيرد (زونيس، ۱۳۸۷: ۸). به اين ترتيب، وجود اختلاف بين توزيع قدرت بر حسب نهادها و ساختارهاى رسمى^۱ حكومت با توزيع واقعى آن در نظام سياسى، تعيين دقيق جايگاه موقعيت‌هاى بالا را بسيار مشكل مى سازد^۲ و تشخيص اينكه واقعاً چه كسى نخبه سياسى است مورد ترديد واقع مى شود. همچنين، عدم دستيابى به اطلاعات كامل و دقيق (ر.ك. رفيع پور، ۱۳۷۶: ۱۷۳) و موثق درباره شركت كنندگان در اتخاذ تصميمات كليدى، اندازه گيرى تحرك را با دشوارى بيشترى روبه رو مى كند (ازغندى، ۱۳۷۶).

در اين مطالعه به منظور دستيابى به مقياس مناسبى براى تعيين جايگاه و ارزش موقعيت‌هاى شغلى در سلسله مراتب قدرت سياسى با قابليت مقايسه كمى اقداماتى به شرح زير انجام شد. ابتدا به منظور شناخت اهميت هر نهاد و اختيارات و قدرت مسئول آن نهاد (ارزش آن موقعيت) در سلسله مراتب ساختار سياسى، بر اساس قانون اساسى (۱۳۵۸) و قانون اصلاح شده (۱۳۶۸) مورد مطالعه قرار گرفت، سلسله مراتب موقعيت‌ها استخراج و موارد اصلاح شده مشخص شد.

اگرچه به اين ترتيب امكان رتبه بندي اوليه نهادها و موقعيت‌هاى سياسى فراهم گرديد، مشخص شد كه تفاسير متعددى كه بر حسب شرايط مختلف از قوانين شده است، ارزش (نمره) موقعيت‌ها را در زمان متغير كرده و سهولت در امكان تفسير قوانين استفاده از آن را بيشتر موكل به قدرت شخصى (نفوذ) مسئول مربوط نموده است.

در مرحله دوم براى تعيين ارزش موقعيت‌هاى شغلى، لوايح و قوانين بودجه سال‌هاى ۸۸-۱۳۵۸ بررسى شد، تا از طريق شناسايى سهم بودجه هر نهاد از كل بودجه كشور، اهميت و قدرت هريك از نهادها و بالتبع مسئول آن نهاد در كل ساختار سياسى مشخص شود. اما

^۱ افراد تأثيرگذار در موقعيت‌هاى سياسى به دو گروه رسمى (حكومتى) يا غيررسمى (از جمله سياستمداران معترض) قابل تقسيم‌اند. در اين مطالعه مسئولان رسمى (حكومتى) مدنظر قرار گرفته است.

^۲ در اين مطالعه اطلاعات شغلى مسئولان سياسى با بررسى زندگى نامه‌ها و كتاب‌هاى خاطرات با زحمت زياد به دست آمده است.

بررسی لوایح و قوانین بودجه نیز با موانع زیادی روبه‌رو بود. از جمله جداول سال‌های مختلف، ساختار متفاوتی داشت به طوری که قابلیت مقایسه را بسیار دشوار یا ناممکن می‌ساخت. به‌علاوه، در تدوین قانون بودجه، توازن متناسبی میان هزینه-درآمد، وظایف-مسئولیت‌ها، و تعداد پرسنل و بودجه تخصیصی سازمان‌ها دیده نشد. بنابراین بودجه سازمان‌ها بیش از آنکه معطوف به عملکرد و وظایف سازمان باشد، به قدرت فردی رئیس سازمان وابسته بوده است. برخی نهادها که از نظر نوع مسئولیت‌های اجرایی و تعداد پرسنل هزینه چندانی ندارند، بودجه قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین در انتهای هر یک از قوانین بودجه، سطری با عنوان "ردیف متفرقه" درج شده است. اعتبارات متفرقه اعتباراتی است که دولت به انجام آن‌ها آگاهی دارد اما به دلیل نامشخص بودن دستگاه‌های اجرایی هزینه‌کننده، در قالب قانون بودجه آرایش نمی‌یابد. این اعتبارات از طریق تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران میان دستگاه‌های اجرایی تقسیم می‌شود (کنکاشی در ردیف‌های متفرقه (متمرکز) بودجه بهمن ۱۳۸۳). موانع یادشده از جمله مواردی بود که شفافیت تخصیص سهم بودجه سازمان‌ها را دچار اختلال کرده و قدرت پیش‌بینی جهت تعیین ارزش موقعیت‌های شغلی را کاهش داده است.

تعیین مقیاس سنجش ارزش موقعیت شغلی مسئولان سیاسی با روش پیمایشی به‌دنبال بررسی قانون اساسی و لوایح و قوانین بودجه (سی‌ساله) و ناکافی بودن نتایج به‌دست آمده از آن‌ها در جهت تهیه مقیاس (نمره) مناسبی برای تنظیم سلسله‌مراتب موقعیت‌های شغلی در ایران، و با استنباطی که از سلسله‌مراتب موقعیت‌های سیاسی در قانون اساسی به‌دست آمده بود، با هدف اخذ نظر صاحب‌نظران در آن زمینه با اتکا به روش پیمایشی اقدامات زیر صورت گرفت.

تهیه پرسش‌نامه

پرسش‌نامه کوتاهی در دو صفحه تدوین شد که در آن دو دسته سؤال در جداول مجزا تنظیم گردیده بود. در جدول اول، اسامی مراکز (نهاد) اصلی قدرت (سیاسی)، در مقایسه با هم و در

دو مقطع زمانى قبل و بعد از سال ۱۳۶۸^۱ و در جدول دوم، اسامى موقعيت‌هاى سياسى (و اقتصادى و نظامى) در مقايسه با هم و در مقاطع قبل و بعد از سال ۱۳۶۸ در نظر گرفته شد. در هريك از جداول و هريك از موقعيت‌هاى ثبت شده در آن، طيف ۱۰ قسمتى (يك تا ده) براى ابراز نظر پاسخگويان پيش بينى گرديد. در طراحي پرسش نامه سعى شد موقعيت‌هاى شغلى ارائه شده نمونه مناسبى (مشت نمونه خروار) از موقعيت‌هاى بالاي سياسى در جامعه ايران باشد.

انتخاب پاسخگويان

پاسخگويان مسئولانى بودند که در خلال سال‌هاى پس از پيروى انقلاب، دست کم در يك دوره، متصدى موقعيت‌هاى بالاي سياسى بوده‌اند. اين افراد براساس اولويت ضوابطى که در نظر گرفته شد گزينش شدند. ضوابط تعيين پاسخگويان عبارت‌اند از حضور هرچه طولانى تر در موقعيت‌هاى سياسى و دارا بودن تجربه کافى در آن؛ رعايت تنوع در موقعيت‌ها، به طورى که منتخبان از نهادهاى مختلف و در جاگاه‌هاى گوناگون در سلسله مراتب قدرت سياسى بوده باشند؛ پرهيز از انتخاب افرادى که به وابستگى يکى از جناح‌هاى سياسى شهرت داشته‌اند؛ امکان برقرارى ارتباط با مصاحبه‌شوندگان؛ و ابراز تمايل آن‌ها به وقت گذارى و پاسخگويى به سؤالات.

براى انتخاب مصاحبه‌شوندگان مراحل زير طى شد:

اسامى مسئولانى که با شرايط فوق‌الذکر مطابقت داشتند فهرست شد. اما تعدادى از اين افراد در اولين تماس تلفنى جهت تنظيم وقت و توضيح اوليه عذرخواهى کردند.^۲ عده ديگرى که با قرار وقت قبلى آمادگى خود را براى پاسخگويى اعلام کرده بودند، پس از مراجعه محقق، با استدلال حساسيت موضوع تحقيق يا دلايل شخصى از پاسخگويى امتناع کردند. نهايتاً امکان مصاحبه حضورى و تکميل هجده پرسش نامه فراهم شد.^۲

^۱ در سال ۱۳۶۸ واقعه مهم اتفاق افتاد: پايان جنگ هشت‌ساله، فوت امام خمينى و شروع دوره رهبرى آيت‌الله خامنه‌اى، تصويب اصلاح قانون اساسى، حذف موقعيت نخست‌وزيرى و شروع دوران سازندگى.

^۲ زونيس مى‌نويسد: در ايران جهت گيرى عمومى شخصيت‌ها به سوى احتياط و قائل شدن تمايز در تفسير نتايج گرايش دارد (زونيس، ۱۳۸۷: ۱۹).

با هریک از افراد مصاحبه مستقلاً به عمل آمد. از آن‌ها خواسته شد با اتکا به تجاربی که از دوران تصدی موقعیت‌های سیاسی دارند، نظر شخصی (واقعی) خود را بدون در نظر گرفتن قالب رسمی (قانونی) سلسله‌مراتب موقعیت‌ها در پرسش‌نامه علامت‌گذاری کنند. پاسخگویان در موقعیت وزیر، معاون وزیر، سفیر، سپاهی ارشد، نماینده ولی فقیه، معاون قوه قضائیه، عضو شورای نگهبان و از مقامات ارشد اتاق بازرگانی بوده‌اند.

بررسی صحت نتایج به‌دست‌آمده

به منظور اطمینان از نتایج به‌دست‌آمده و کنترل میانگین نظرات (نمرات) پاسخگویان، اقدامات زیر صورت گرفت:

با الهام از روش دلفی، پرسش‌نامه‌ها با درج ارقام میانگین به‌دست‌آمده (مرحله اول)، در اختیار افراد مصاحبه‌شده (مرحله اول) قرار گرفت و مجدداً از آن‌ها نظرخواهی شد. در نتایج جدید (مرحله دوم) مشابهت قابل ملاحظه‌ای با میانگین مرحله قبل مشاهده شد و لذا صحت آن مورد تأیید قرار گرفت.

علاوه بر این، در مورد نهادهایی که دارای تخصص و پیچیدگی بیشتری بودند یا سازمان‌های زیادی را تحت پوشش داشتند (سازمان‌های نظامی، وزارت خارجه، نفت، یا سازمان صدا و سیما) موشکافی بیشتری به‌عمل آمد. به این ترتیب که از افرادی دارای سابقه و تجربه کافی در سازمان‌های مذکور خواسته شد سلسله‌مراتب به‌دست‌آمده از موقعیت‌ها را در سازمان متبوع خود از نظر قدرت تصمیم‌گیری و منزلت موقعیت بر اساس معیارهایی که با واقعیت عینی و تجربه شخصی آن‌ها مطابقت دارد (و نه سازمانی)، در طیف ده قسمتی رتبه‌بندی کنند. نمرات به‌دست‌آمده با میانگین نظرات پاسخگویان در مقایسه قرار گرفت و ارزش موقعیت‌های جزئی‌تر (معاونان و مدیران کل) با دقت بیشتری تعیین شد. به این ترتیب، مقیاسی برحسب توزیع ارزش موقعیت‌های شغلی به دست آمد.

¹ مصاحبه‌ها در ماه‌های دی و بهمن ۱۳۸۸ و در شرایط بحرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم انجام شد، لذا تعداد پاسخگویان کمتر از حد پیش‌بینی بود.

² زونیس نیز در تحقیق خود از یک پانل ده‌نفره برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است (زونیس، ۱۳۸۷: ۵۹۴).

تعيين مقاطع زمانى

برای هر پژوهشگر لازم است اطلاعات خود را به شیوه‌ای طبقه‌بندی کند تا بتواند کار خود را با دقت کافی به انجام برساند. این تقسیم‌بندی باید به گونه‌ای باشد که تغییر و تحولات اجتماعى و سياسى که باعث دگرگونى در نیروهاى اجتماعى است به‌خوبى شناسايى شود (ازغندى، ۱۳۸۵: ۱۰۴). به این دلیل و به منظور سنجش تحرك مسئولان سياسى و قابليت مقایسه ارزش موقعیت‌ها در دوره‌سى ساله پس از پیروزی انقلاب، این مقطع زمانى به هشت دوره تقسیم شد. دوره‌هاى هشت‌گانه^۱ (به استثنای دوره اول) بر مبنای مقاطع ریاست جمهوری انتخاب شده‌اند. تقسیم دوره‌ها بر مبنای مقاطع ریاست جمهوری به این دلیل بود که:

- در قانون اساسى، قوه مجریه یکى از مهم‌ترین ارکان نظام است.^۲
- اولین نهادى که پس از پیروزی انقلاب شکل گرفت دولت موقت (۱۳۵۷/۱۱/۱۵) بود.
- ساختار سازمانى قوه مجریه، پس از پیروزی انقلاب، نسبتاً ثابت باقى مانده و کمتر دچار دگرگونى شده است.
- دسترسی به اطلاعات مسئولان سياسى فعال در قوه مجریه با سهولت بیشتری امکان‌پذیر است.
- جمعیت مسئولان سياسى در قوه مجریه بیش از دیگر نهادها است.
- افزون بر این، مطالعات نشان داد تغییرات موقعیت شغلى در دیگر نهادها اغلب با تغییرات در قوه مجریه همزمانى و ارتباط دارد.^۳

^۱ دوره دوساله اول ۶۰-۱۳۵۸، دوره چهارساله دوم ۶۴-۱۳۶۰، سوم ۶۸-۱۳۶۴، و به‌همین ترتیب تا سال ۱۳۸۸.
^۲ اصل ۱۱۳ قانون اساسى: "پس از مقام رهبرى، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمى کشور است." و اصل ۵۷: "ارتباط میان قوای سه‌گانه به‌وسیله رئیس‌جمهور برقرار می‌گردد".
^۳ دولت ایران سازمان سياسى مرکزى جامعه ایران است (زونیس، ۱۳۸۷: ۱۳). همچنین آیت‌الله مهدوی‌کنى در خاطرات خود مى‌نویسد: "گرچه امام فرمودند مجلس در رأس امور است، ولی تجربه نشان داد که دولت در رأس امور است. تاریخ نشان داده که مجلس را هم دولت به‌وجود مى‌آورد. شوراها را هم دولت درست مى‌کنند... نه تنها در ایران که در دنیا چنین است" (خواججه سروى، ۱۳۸۵).

سنجش ارزش موقعیت‌های سیاسی

پس از تقسیم مقطع سی ساله به دوره‌های هشت‌گانه، موقعیت‌های شغلی مسئولان سیاسی به ترتیب از اولین تا آخرین موقعیت ثبت شد و ارزش (نمره) موقعیت، زمان تصدی (تاریخ انتصاب)، و مدت زمان اشتغال در آن منصب در نظر گرفته شد.

گاهی یک مسئول سیاسی هم‌زمان بیش از یک موقعیت شغلی داشته است یا مدت زمان تصدی او در بعضی از موقعیت‌ها، کمتر از یک دوره چهارساله بوده است. به این دلیل، هر دوره چهارساله به چهار سال مجزا از یکدیگر تجزیه شد.

بالاترین ارزش موقعیت شغلی مربوط به هر سال تعیین گردید و در هر دوره (چهار ساله) بالاترین ارزش (نمره) به‌عنوان ارزش موقعیت شغلی آن دوره در نظر گرفته شد.

به این ترتیب، هر یک از مسئولان، حداکثر^۱ هشت نمره ارزش موقعیت خواهند داشت.

سنجش تحرک عمودی (صعودی و نزولی)

جهت سنجش تحرک (صعودی و نزولی) اقدامات زیر صورت گرفت:

تفاضل نمرات ارزش موقعیت هر دوره نسبت به دوره قبل از خود (مانند دوره دوم منهای دوره اول) محاسبه گردید. در نتیجه نمراتی در بازه مثبت ۱۰ تا منفی ۱۰ به‌دست آمد.

مثبت، صفر، و منفی بودن نمره به‌دست آمده نشان‌دهنده ارتقا، ثبات یا عدم حضور، و تنزل موقعیت هر یک از مسئولان سیاسی است. به این ترتیب:

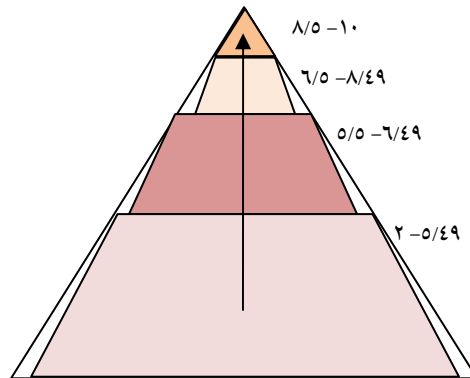
ارتقا یا تحرک صعودی مربوط به مسئولانی است که تفاضل نمرات ارزش موقعیت آن‌ها در هر دوره نسبت به دوره قبل بزرگ‌تر از صفر (مثبت) باشد.^۲

ثبات و عدم حضور مربوط به مسئولانی است که تفاضل نمرات ارزش موقعیت آن‌ها در هر دوره در مقایسه با دوره قبل مساوی صفر باشد، به‌علاوه مسئولانی که هنوز به مجموعه وارد نشده‌اند.

^۱ نخبگان به تناسب تعداد دوره‌ای که در مجموعه نخبگان حضور داشته‌اند دارای نمره ارزش موقعیت بوده‌اند.
^۲ به‌عنوان مثال، نخبگان ارتقاء یافته (تحرک صعودی) دوره سوم عبارت‌اند از نخبگانی که ارزش موقعیت دوره سوم منهای دوره دوم (متغیر تحرک) آن‌ها بزرگ‌تر از صفر (مثبت) باشد. این مجموعه شامل افرادی است که در دوره سوم موقعیت (شغل) بالاتری نسبت به دوره دوم دارند، به‌علاوه کسانی که به‌تازگی در دوره سوم (مثلاً از موقعیت‌های معمولی جامعه) به مجموعه نخبگان وارد شده‌اند.

تنزل يا تحرك نزولى مربوط به مسئولانى است كه تفاضل نمرات ارزش موقعيت آنها در هر دوره در مقايسه با دوره قبل كوچكتر از صفر (منفى) باشد. به منظور ساده‌سازى^۱ سلسله‌مراتب مسئولان سياسى در تحليل توصيفى، ساختار سلسله‌مراتب مسئولان سياسى كه در سطح فاصله‌اى و بر اساس نمرات ارزش موقعيت ساخته شد در چهار سطح طبقه‌بندى گرديد. سطوح چهارگانه با توجه به نمرات ارزش موقعيت از بالاترين تا پايين‌ترين سطح به اين ترتيب تقسيم‌بندى شد:

نمودار ۱. سلسله‌مراتب موقعيت‌هاى سياسى



سطح اول، با ارزش ۱۰ تا ۸/۵ در (مثلث) رأس هرم؛ سطح دوم، با ارزش ۸/۴۹ تا ۶/۵ (ذوزنقه بالا) شامل رؤسای قوای سه‌گانه و موقعيت‌هاى مشابه آن است. سطح سوم، با ارزش ۶/۴۹ تا ۵/۵ (ذوزنقه مياني) دربرگيرنده مديران مياني و شامل وزرا و رؤسای نهادهاى است كه از نظر ارزش موقعيت شغلى هم‌ردیف با آنها (وزرا) بوده‌اند؛ و سطح چهارم، با ارزش ۵/۴۹ تا آخر (ذوزنقه پايين) شامل پايين‌ترين رده مديران در جمع مسئولان سياسى است (نمودار ۱).

جدول ۱ نشان‌دهنده عناوين موقعيت‌هاى سياسى، ارزش هر موقعيت در دهه اول، قبل از سال ۱۳۶۸ (سمت راست جدول) و دو دهه بعد از آن (سمت چپ جدول) است.

^۱ موقعيت‌هاى سياسى ارزش‌گذارى شده در بازه نمره ۱ تا ۱۰ و در سطح فاصله‌اى سنجيده شده و قابل استفاده در روابط دو و چندمتغيرى است. دسته‌بندى نخبگان به چهار سطح برای تحليل توصيفى مناسب بوده است.

بررسی ارزش موقعیت‌های شغلی سیاسی قبل و بعد از اصلاح قانون اساسی
 بررسی ارزش موقعیت‌های سیاسی در دهه اول پس از پیروزی انقلاب (قانون اساسی ۱۳۵۸) و
 دو دهه بعد (اصلاح قانون اساسی ۱۳۶۸) حاکی از تغییراتی در موقعیت‌های کلیدی در ساختار
 سلسله‌مراتبی قدرت است.

جدول ۱ دربردارنده ۸۷ مورد از بالاترین موقعیت‌های شغلی در سلسله‌مراتب هرم قدرت
 مربوط به نمونه‌ای (۳۹۸ نفره) از مسئولان سیاسی سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۸۸-
 ۱۳۵۷) است. موقعیت‌ها دوبار در ستون‌های جدول تکرار شده‌اند. یک‌بار (ستون اول سمت
 راست) بر اساس بالاترین نمرات ارزش موقعیت در دهه اول (تا سال ۱۳۶۸) پس از پیروزی
 انقلاب و بار دیگر (ستون چهارم سمت راست) بر اساس بالاترین نمرات ارزش موقعیت در دو
 دهه بعد از ۱۳۶۸ مرتب شده است.

ستون‌های دوم و پنجم نمایش‌دهنده نمرات ارزش موقعیت قبل از سال ۱۳۶۸، و ستون‌های
 سوم و ششم مربوط به نمرات بعد از سال ۱۳۶۸ است. خالی بودن بعضی خانه‌ها به این معنا است
 که موقعیت مربوط به آن خانه وجود نداشته یا حذف شده است. برای مثال، موقعیت
 نخست‌وزیری تنها در دوره قبل از ۱۳۶۸ وجود داشته، یا موقعیت معاونت دفتر نهاد رهبری، یا
 دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از سال ۱۳۶۸ تعریف شده است.

در سه ستون سمت راست جدول (دهه قبل از ۱۳۶۸) اولین سطح مربوط به بالاترین
 موقعیت (رأس هرم) با ارزش (نمره) ۹/۷۱ است.

در سطح دوم رؤسای قوای سه‌گانه، اعضای شورای انقلاب و نخست‌وزیر، فرمانده کل
 سپاه پاسداران، رئیس مجلس خبرگان، دادستان کل کشور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و
 وزرای گروه اول (خارج، کشور، اطلاعات) قرار دارند.

در سومین سطح، رؤسای سازمان‌های تحت نظارت رهبری و سازمان‌های تحت نظارت
 ریاست جمهوری، فرماندهان نیروهای سپاه و ارتش، نمایندگان رهبری در سپاه پاسداران،
 فقهای شورای نگهبان، وزرای گروه دوم (نفت، اقتصاد، بازرگانی، صنایع) و سوم، و معاونان
 وزرای گروه اول، رئیس و معاونان بانک مرکزی، سفیران، استانداران، معاونان قوه قضائیه،
 رئیس بنیاد مستضعفان و تولید آستان قدس رضوی قرار دارند. در سطح چهارم، نماینده ولی
 فقیه در شورای عالی دفاع و رئیس اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش و برخی از موقعیت‌های
 نظامی دیگر، معاونان سازمان‌های تحت نظارت رهبری، اعضای مجلس خبرگان، حقوقدانان

شورای نگهبان، برخی از معاونان و مدیران کل قوه مجریه و قضائیه، نمایندگان مجلس شورا، معاونان بنیاد مستضعفان و رؤسای دیگر نهادهای انقلابی قرار دارند.

در سطح دوم رؤسای قوای سه گانه، فرمانده کل سپاه پاسداران، رئیس دفتر نهاد رهبری، و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (از ۱۳۷۶) آمده‌اند.

سومین سطح شامل معاونان دفتر نهاد رهبری، دبیر، معاون، و نماینده ولی فقیه در شورای عالی امنیت ملی، دبیر و فقهای شورای نگهبان، دبیر مجمع تشخیص مصلحت، وزیر گروه اول و دوم، معاونان قوه قضائیه، رؤسای سازمان‌های تحت نظر ریاست جمهوری، فرمانده کل ارتش، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، شهردار تهران، و تولیت آستان قدس رضوی است.

در سطح چهارم، پایین‌ترین موقعیت‌های مورد بررسی و در رده مدیران کل سازمان‌های سیاسی قرار دارند.

جدول ۱. نمرات موقعیت‌های شغلی سیاسی قبل و بعد از اصلاح قانون اساسی (۱۳۶۸) بر اساس میانگین نظر

مطلعان کلیدی

مرتب شده بر اساس نمرات بعد از سال ۱۳۶۸			مرتب شده بر اساس نمرات قبل از سال ۱۳۶۸		
ارزش موقعیت بعد ۱۳۶۸	ارزش موقعیت قبل ۱۳۶۸	(تکرار) عنوان موقعیت شغلی مسئولان سیاسی	ارزش موقعیت بعد ۱۳۶۸	ارزش موقعیت قبل ۱۳۶۸	عنوان موقعیت شغلی مسئولان سیاسی
۸/۷۸	۹/۷۱	رهبری/ فرمانده کل قوا	۸/۷۸	۹/۷۱	رهبری/ فرمانده کل قوا
۸/۰۷	۶/۷۶	رئیس جمهور	۶/۹۰	۷/۹۷	رئیس مجلس شورا
۷/۶۵	۶/۵۰	رئیس مجمع تشخیص مصلحت	-	۷/۹۰	اعضای شورای انقلاب/ نخست وزیر
۶/۹۰	۷/۹۷	رئیس مجلس شورا	۶/۸۱	۷/۷۷	فرمانده کل سپاه پاسداران
۶/۸۷	۶/۸۴	رئیس مجلس خبرگان (قانون اساسی/ رهبری)	۶/۶۸	۷/۲۹	رئیس قوه قضائیه
۶/۸۱	۷/۷۷	فرمانده کل سپاه پاسداران	۶/۸۷	۶/۸۴	رئیس مجلس خبرگان (قانون اساسی/ رهبری)
۶/۶۹	۶/۴۷	رئیس دفتر نهاد رهبری	۸/۰۷	۶/۷۶	رئیس جمهور
۶/۶۸	۷/۲۹	رئیس قوه قضائیه	۵/۳۷	۶/۶۲	دادستان کل کشور
۶/۳۵	۵/۷۸	دبیر شورای نگهبان	۴/۷۵	۶/۶۰	رئیس سازمان برنامه و بودجه
۶/۳۲	۴/۶۶	شهردار تهران	۷/۶۵	۶/۵۰	رئیس مجمع تشخیص

					مصلحت
۶/۳۰	۵/۶۴	دبیر شورای عالی امنیت ملی	۵/۸۴	۶/۵۰	وزرای گروه اول (کشور/ خارج/ اطلاعات)
۵/۹۶	۶/۳۵	معاون قوه قضائیه	۶/۶۹	۶/۴۷	رئیس دفتر نهاد رهبری
۵/۸۴	۶/۵۰	وزرای گروه اول (کشور/ خارج/ اطلاعات)	۵/۳۵	۶/۴۷	رئیس بانک مرکزی
۵/۸۲	۵/۸۷	رؤسای سازمان‌های زیرنظر ریاست جمهوری	۵/۹۶	۶/۳۵	معاون قوه قضائیه
۵/۷۹	۶/۰۸	رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح	۵/۷۹	۶/۰۸	رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح
۵/۷۵	-	فرمانده کل ارتش	۵/۵۲	۶/۰۲	وزرای (اقتصاد/ صنایع معادن / نفت/ بازرگانی)
۵/۷۵	-	معاون نهاد رهبری	۵/۱۶	۵/۹۴	نمایندگان ولی فقیه در سازمان‌های تحت رهبری / امام جمعه تهران
۵/۷۰	-	دبیر مجمع تشخیص مصلحت	۴/۸۲	۵/۹۲	رئیس بنیاد مستضعفان
۵/۶۸	۴/۱۹	قائم‌مقام شهردار تهران	۵/۸۲	۵/۸۷	رؤسای سازمان‌های زیرنظر ریاست جمهوری
۵/۶۳	۴/۹۱	معاون شورای عالی امنیت ملی	۴/۵۴	۵/۸۳	فرماندهان نیروهای ارتش و سپاه / و شورای فرماندهی سپاه
۵/۵۷	۵/۶۲	فقه‌های شورای نگهبان	۵/۵۲	۵/۸۲	تولیت آستان قدس رضوی / و بنیاد رضوی
۵/۵۴	۵/۶۵	جانشین فرمانده کل سپاه	۶/۳۵	۵/۷۸	دبیر شورای نگهبان
۵/۵۲	۶/۰۲	وزرای (اقتصاد/ صنایع معادن و صنایع سنگین / نفت/ بازرگانی)	۵/۱۷	۵/۷۶	استانداران
۵/۵۲	۵/۸۲	تولیت آستان قدس رضوی / و بنیاد رضوی	۴/۲۴	۵/۷۵	معاون سازمان برنامه و بودجه و سازمان برنامه‌ریزی
۵/۴۷	۴/۶۵	رئیس دفتر رئیس جمهور	۵/۲۱	۵/۶۶	معاون وزرای گروه اول (کشور/ خارج/ اطلاعات)
۵/۴۴	۵/۵۷	رؤسای سازمان‌های تحت نظر رهبری	۴/۳۸	۵/۶۵	نماینده ولی فقیه در سپاه
۵/۳۷	۶/۶۲	دادستان کل کشور	۵/۵۴	۵/۶۵	جانشین فرمانده کل سپاه

تحرك شغلى مسئولان سياسى ايران

۵/۳۵	۶/۴۷	رئيس بانك مركزى	۶/۳۰	۵/۶۴	دبير شورى على امنيت ملى
۵/۲۷	۳/۹۶	مشاور رهبرى	۴/۷۷	۵/۶۳	معاون بانك مركزى
۵/۲۱	۵/۶۶	معاون وزراى گروه اول (كشور / خارجه / اطلاعات)	۵/۵۷	۵/۶۲	فقهاى شورى نگهبان
۵/۲۱	۵/۵۲	وزراى گروه سوم	۵/۴۴	۵/۵۷	رؤساي سازمانهاى تحت نظر رهبرى
۵/۱۹	۵/۱۲	معاون سازمانهاى تحت نظر رياست جمهورى	۴/۹۷	۵/۵۶	رئيس دادگاه ويژه روحانيت
۵/۱۷	۵/۷۶	استانداران	۴/۹۵	۵/۵۳	سفرا
۵/۱۶	۵/۹۴	نمايندگان ولى فقيه در سازمانهاى تحت رهبرى / امام جمعه تهران	۵/۲۱	۵/۵۲	وزراى گروه سوم
۵/۱۱	-	معاون اول رئيس جمهور	۴/۳۶	۵/۴۶	معاون صدا و سيما
۴/۹۷	۵/۵۶	رئيس دادگاه ويژه روحانيت	-	۵/۴۵	نماينده ولى فقيه در شورى على دفاع
۴/۹۷	-	رئيس مركز پژوهشهاى مجلس	۴/۸۵	۵/۴۵	نماينده مجلس
۴/۹۵	۵/۵۳	سفرا	۴/۴۲	۵/۴۲	رئيس اداره سياسى عقيدتى ارتش
۴/۹۴	-	رئيس ديوان على كشور	۴/۹۱	۵/۳۸	معاون نخست وزير / و رئيس جمهور (رؤساي فرهنگستانها)
۴/۹۲	۵/۲۵	معاون وزير اقتصاد / صنايع معادن / نفت / بازرگانى	۴/۴۵	۵/۳۵	اعضاي مجلس خبرگان (قانون اساسى / رهبرى)
۴/۹۱	۵/۳۸	معاون نخست وزير / رئيس جمهور (رؤساي فرهنگستانها)	۴/۹۲	۵/۲۵	معاون وزير اقتصاد / صنايع معادن / نفت / بازرگانى
۴/۸۶	۴/۸۶	معاون سازمانهاى تحت نظر رهبرى	۴/۳۰	۵/۱۵	معاون بنياد مستضعفان
۴/۸۵	۵/۴۵	نماينده مجلس	۵/۱۹	۵/۱۲	معاون سازمانهاى تحت نظر رياست جمهورى
۴/۸۲	۵/۹۲	رئيس بنياد مستضعفان	۴/۴۲	۵/۰۷	نماينده ولى فقيه در سازمانهاى دولتى
۴/۷۷	۵/۶۳	معاون بانك مركزى	-	۴/۹۶	مشاور نخست وزير

۴/۷۵	۶/۶۰	رئیس سازمان برنامه و بودجه	۴/۶۳	۴/۹۲	حقوقدان شورای نگهبان
۴/۶۵	۴/۸۱	معاون وزرای گروه سوم	۵/۶۳	۴/۹۱	معاون شورای عالی امنیت ملی
۴/۶۳	۴/۹۲	حقوقدان شورای نگهبان	۴/۸۶	۴/۸۶	معاون سازمان‌های تحت نظر رهبری
۴/۵۴	۵/۸۳	فرماندهان نیروهای ارتش و سپاه/ و شورای فرماندهی سپاه	۴/۴۱	۴/۸۱	کاردار
۴/۵۴	۴/۵۸	مشاور (مدیرکل) قوه قضائیه	۴/۶۵	۴/۸۱	معاون وزرای گروه سوم
۴/۵۴	۲/۹۲	فرمانده نیروی انتظامی	۶/۳۲	۴/۶۶	شهردار تهران
۴/۵۴	-	فرمانده قرارگاه خاتم	۵/۴۷	۴/۶۵	رئیس دفتر رئیس جمهور
۴/۴۵	۵/۳۵	اعضای مجلس خبرگان (قانون اساسی/ رهبری)	۳/۷۱	۴/۶۵	نماینده ولی فقیه در بنیاد مستضعفان
۴/۴۵	۴/۳۴	اعضای مجمع تشخیص مصلحت	۵/۵۴	۴/۵۸	مشاور (مدیرکل) قوه قضائیه
۴/۴۳	۵/۰۷	نماینده ولی فقیه در سازمان‌های دولتی	۴/۳۸	۴/۵۷	مشاور رئیس جمهور (دبیر کمیته گزینش)
۴/۴۲	۵/۴۲	رئیس اداره سیاسی عقیدتی ارتش	۴/۰۵	۴/۵۲	رؤسای بنیادها (بجز مستضعفان و آستان قدس)
۴/۴۱	۴/۸۱	کاردار	۴/۴۵	۴/۳۴	اعضای مجمع تشخیص مصلحت
۴/۳۸	۵/۶۵	نماینده ولی فقیه در سپاه	۴/۳۱	۴/۳۳	رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک
۴/۳۸	۴/۵۷	مشاور رئیس جمهور (دبیر کمیته گزینش)	۵/۶۸	۴/۱۹	قائم‌مقام شهردار تهران
۴/۳۶	۵/۴۶	معاون صدا و سیما	۳/۹۷	۴/۰۸	مشاور (مدیرکل) وزرای کشور/ خارجه/ اطلاعات
۴/۳۳	-	نایب رئیس اتاق بازرگانی	۵/۲۷	۳/۹۶	مشاور رهبری
۴/۳۳	-	مدیرعامل صدرا/مدیرعامل تعاون سپاه	۳/۶۱	۳/۹۳	معاون بنیادها (بجز مستضعفان و آستان قدس)
۴/۳۱	۴/۳۳	رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک	۴/۱۰	۳/۸۹	فرمانده ستاد مشترک ارتش، سپاه
۴/۳۰	۵/۱۵	معاون بنیاد مستضعفان	۳/۷۵	۳/۷۸	مدیرکل وزیراقتصاد/ صنایع معادن/ نفت/

تحرك شغلى مسئولان سياسى ايران

					بازرگانى
۴/۲۴	۵/۷۵	معاون سازمان برنامه و بودجه و سازمان برنامه ريزى	۳/۸۴	۳/۷۷	معاون مرکز تحقیقات استراتژیک
۴/۱۰	۳/۸۹	فرمانده ستاد مشترک ارتش، سپاه	۳/۲۷	۳/۷۱	مدیرکل بنیاد مستضعفان
۴/۱۰	۲/۹۲	فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش، سپاه، انتظامی	۳/۶۲	۳/۶۲	مدیرکل صدا و سیما
۴/۰۵	۴/۵۲	رؤسای بنیادها (بجز مستضعفان و آستان قدس)	۳/۷۰	۳/۵۰	مدیرکل سازمان‌های تحت نظر رهبری
۳/۹۷	۴/۰۸	مشاور (مدیرکل) وزرای کشور / خارجه / اطلاعات	۳/۷۰	۳/۵۰	امام جمعه شهرستان‌ها
۳/۸۴	۳/۷۷	معاون مرکز تحقیقات استراتژیک	۳/۵۴	۳/۵۰	مدیرکل وزرای گروه سوم
۳/۷۵	۳/۷۸	مدیرکل وزیر اقتصاد / صنایع معادن / نفت / بازرگانى	۴/۵۴	۹/۹۲	فرمانده نیروی انتظامی
۳/۷۱	۴/۶۵	نماینده ولی فقیه در بنیاد مستضعفان	-	۹/۹۲	رئیس ستاد نیروی زمینی
۳/۷۰	۳/۵۰	مدیرکل سازمان‌های تحت نظر رهبری	۲/۲۷	۹/۹۲	فرمانده لشکرهای سپاه و ارتش
۳/۷۰	۳/۵۰	امام جمعه شهرستان‌ها	۴/۱۰	۲/۹۲	فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش، سپاه، انتظامی
۳/۷۰	-	مشاور نهاد رهبری	۲/۵۲	۱/۸۶	مدیرعامل مترو
۳/۶۲	۳/۶۲	مدیرکل صدا و سیما	۵/۷۵	-	فرمانده کل ارتش
۳/۶۱	۳/۹۳	معاون بنیادها (بجز مستضعفان و آستان قدس)	۵/۷۵	-	معاون نهاد رهبری
۳/۵۴	۳/۵۰	مدیرکل وزرای گروه سوم	۵/۷۰	-	دبیر مجمع تشخیص مصلحت
۳/۴۰	-	فرمانده بسیج	۵/۱۱	-	معاون اول رئیس جمهور
۳/۲۷	۳/۷۱	مدیرکل بنیاد مستضعفان	۴/۹۷	-	رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس
۲/۵۲	۱/۸۶	مدیرعامل مترو	۴/۹۴	-	رئیس دیوان عالی کشور
۲/۲۷	۲/۹۲	فرمانده لشکرهای سپاه و ارتش	۴/۵۴	-	فرمانده قرارگاه خاتم
۲/۲۷	-	معاون نیرو انتظامی	۴/۳۳	-	نایب رئیس اتاق بازرگانى
-	۷/۹۰	اعضای شورای انقلاب / نخست وزیر	۴/۳۳	-	مدیرعامل صدا / مدیرعامل تعاون سپاه

-	۵/۴۵	نماینده ولی فقیه در شورای عالی دفاع	۳/۷۰	-	مشاور نهاد رهبری
-	۴/۹۶	مشاور نخست وزیر	۳/۴۰	-	فرمانده بسیج
-	۲/۹۲	رئیس ستاد نیروی زمینی	۲/۲۷	-	معاون نیروی انتظامی

با تحلیل این جدول نتایج زیر به دست آمده است:

ترتیب موقعیت‌ها در سلسله‌مراتب هرم قدرت پس از اصلاح قانون اساسی (۱۳۶۸) تغییر کرده است:

اگرچه در اصلاح قانون اساسی طبق اصل ۵۷^۱ و ۱۱۰^۲ اختیارات رهبری افزایش یافت و قید مرجعیت از شرایط رهبری حذف گردید، ارزش موقعیت رهبری در دو دهه پس از سال ۱۳۶۸ (اصلاح قانون اساسی) نسبت به دهه قبل معادل ۰/۹۷^۳ نمره کاهش یافته است^۳ و در مقابل ارزش موقعیت ریاست جمهوری معادل ۱/۳۱^۴ نمره افزایش یافته، از این رو فاصله^۵ ارزش موقعیت رهبری با ریاست جمهوری از ۱/۷۴ در دهه اول به میزان ۰/۷۱ در دو دهه بعد کاهش یافت. به این ترتیب، فاصله دو موقعیت کم شد و موقعیت ریاست جمهوری ارزشی به مراتب بالاتر از قبل پیدا کرد.^۵

^۱ در قانون ۱۳۵۸ عبارت: «... قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت امر و امامت امت... است و ارتباط میان آن‌ها به وسیله رئیس‌جمهور برقرار می‌گردد». در اصلاح قانون اساسی سال ۱۳۶۸ به عبارت «... قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت... اعمال می‌شود» اشاره شده و در قانون اصلاحی، «ارتباط آن‌ها به وسیله رئیس‌جمهور برقرار می‌شود» حذف شده است.

^۲ در اصل ۱۱۰ اصلاح قانون اساسی، اختیارات بیشتری به موقعیت رهبری داده شده است. از جمله: تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرمان همه‌پرسی، نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما، و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی، و...

^۳ ارزش موقعیت‌ها، بر اساس میانگین نمراتی که پاسخگویان (مطالعات کلیدی) به هر یک از موقعیت‌ها داده‌اند به دست آمده است.

^۴ در سلسله‌مراتب قبل، بعد از موقعیت امام خمینی، با فاصله قابل توجهی از "قدرت" موقعیت رئیس‌جمهور قرار داشت، و بعد نخست وزیر و رئیس مجلس و....

^۵ به نظر می‌رسد مطابقت سلسله‌مراتب منتج از قانون اساسی و نمرات مطالعات کلیدی به موقعیت‌های سیاسی، نشان‌دهنده صحت و اعتبار روش مورد استفاده در کمی‌سازی ارزش موقعیت‌های سیاسی بوده است.

همچنين، ترتيب موقعيت رؤساي قواى سه گانه نسبت به هم در قبل و بعد از مقطع سال ۱۳۶۸ تغيير کرده است. ارزش موقعيت رياست قوه مقننه که در دهه اول بالاتر از دو قوه ديگر و پس از رهبري قرار داشت، در دو دهه بعد، پس از رئيس قوه مجريه قرار گرفت. ارزش موقعيت رئيس قوه قضائيه نيز پس از سال ۱۳۶۸ نسبت به دهه قبل تنزل داشته، اما در همان سطح (دوم) باقى مانده است؛ موقعيت دادستانى کل (زير مجموعه قوه قضائيه) که دهه اول در سطح دوم قرار داشت، در دو دهه بعد به سطح چهارم تنزل يافت.

موقعيت رياست دفتر نهاد رهبري در مقايسه با دوره‌هاى قبل و بعد از سال ۱۳۶۸، از سطح سوم به دوم ارتقا يافت.

رياست مجمع تشخيص مصلحت نظام^۱ از سال ۱۳۷۶ به بعد در بالاترين حد و پس از موقعيت رياست جمهورى قرار گرفت.

با وجودى که موقعيت رياست جمهورى، به عنوان رئيس قوه مجريه، در دو دهه دوم ارتقا يافت، موقعيت وزرا (مسئولان زير نظر رئيس جمهور) در دو دهه دوم نسبت به دهه اول تنزل کرده است. به عبارتى، فاصله قدرت رئيس جمهور از مافوق (رهبري) کاهش و از موقعيت‌هاى زير دست افزايش يافته است (ر.ک. رفيع پور، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۱۴۹). همچنين، موقعيت رؤساي سازمان برنامه و بودجه و بانک مרכזى نيز در سال‌هاى بعد از ۱۳۶۸ و اصلاح قانون اساسى، از سطح دوم و سوم به سطح چهارم تنزل پيدا کرده است.

به علاوه، تعداد موقعيت‌هاى سطح دوم، که بالاترين موقعيت‌هاى سياسى پس از رهبري است، در قبل و بعد از سال ۱۳۶۸ از نه موقعيت به شش موقعيت تقليل يافت.

از نه موقعيت سطح دوم (قبل از ۱۳۶۸) سه موقعيت از طريق انتخابات، چهار موقعيت منصوب رهبري، دو موقعيت با انتصاب مستقيم رئيس جمهور يا معرفى وى و رأى اعتماد مجلس برگزيده مى شدند. اما از شش موقعيت (سطح دوم) بعد از سال ۱۳۶۸، دو موقعيت از طريق انتخابات و چهار موقعيت منصوب رهبري بوده اند.

^۱ وظايف مجمع تشخيص مصلحت در اصلاح اصول ۱۱۱ و ۱۱۲ قانون اساسى تشریح شد. اين مجمع در سال ۱۳۶۳ تأسيس شده است. به علاوه، ارزش (نمره) موقعيت رئيس اين مجمع در پرسش نامه مذکور را مطلقان کليدى تعيين شده است.

در قانون اصلاحی، موقعیت شورای انقلاب و نخست وزیری^۱ که از نظر ارزش برابر بودند حذف شد. چهار موقعیت (رئیس مجلس خبرگان، دادستان کل کشور، وزرای گروه اول، و رئیس سازمان برنامه و بودجه) به سطوح پایین تر تنزل پیدا کرد، و چهار موقعیت باقی مانده در دو دهه بعد در همین سطح باقی ماند. با این تفاوت که پس از سال ۱۳۶۸، ارزش سه موقعیت (ریاست قوه مقننه و قضائیه، و فرمانده کل سپاه پاسداران) کاهش و ارزش موقعیت رئیس قوه مجریه افزایش یافت. در این مقطع، دو موقعیت جدید به این سطح اضافه شد. این دو موقعیت عبارتند از: رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس دفتر نهاد رهبری. به این ترتیب، مهم ترین پیامد اصلاح و تغییر در قانون اساسی، تغییر در سلسله مراتب قدرت بوده است.

در ادامه، روند تغییر ارزش موقعیت (تحرك) رؤسای قوای سه گانه به عنوان نمونه ای از مسئولان سیاسی گزارش شده است. با در رابطه قراردادن مقادیر ارزش موقعیت در دوره های هشت گانه با متغیرهای مستقل مانند تحصیلات، تعداد خویشاوندان و... می توان تحلیلی جامعه شناختی از عوامل مؤثر بر تحرك مسئولان سیاسی به عمل آورد. این تحلیل خارج از هدف این مقاله بوده است.

ارائه نمونه ای از روند تحرك مسئولان سیاسی

در این بخش تغییرات ارزش موقعیت سیاسی^۲ رؤسای قوای سه گانه در دوره هشت گانه به تفکیک گزارش شده است.

در جدول و نمودار ۲، روند تغییرات ارزش موقعیت پنج رئیس جمهور^۳ نشان دهنده دوره ورود و خروج و میزان تحرك آنها در موقعیت های بالای سیاسی است. به استثنای اولین رئیس جمهور (ابوالحسن بنی صدر) که مدت کوتاهی در این موقعیت بوده و به کلی حذف شده است، دو رئیس جمهور بعدی (آیت الله سیدعلی خامنه ای و اکبر هاشمی رفسنجانی) در

^۱ در قانون اصلاحی سال ۱۳۶۸، اختیارات نخست وزیری به ریاست جمهوری داده شد.

^۲ از آنجا که بسیاری از مسئولان هم زمان در موقعیت های متعدد بوده اند، در هر دوره، بالاترین ارزش (نمره) موقعیت درج شده است.

^۳ محمدعلی رجایی (دومین رئیس جمهور) به دلیل مدت زمان کوتاه حضور در موقعیت ریاست جمهوری از این نمونه حذف شده است.

طول دوره سى ساله در موقعيت‌هاى بالا حضور داشته‌اند. چهارمين رئيس جمهور (سيد محمد خاتمي) از ابتدای پيروزی اکثراً در موقعيت‌هاى سطح سوم (در حد وزارت) حضور داشته است. وی در دوره ششم و هفتم با ارتقای موقعيت به سطح دوم (رياست جمهوری) تحرك صعودی یافته است، اما در دوره هشتم از مجموعه مسئولان سياسى حذف شده است. آخرين رئيس جمهور (محمود احمدی‌نژاد) که به استثنای مدتی در دوره پنجم تا دوره هفتم در هیچ‌یک از موقعيت‌هاى بالای سياسى^۱ حضور نداشته است، در دوره هفتم در موقعيت سطح سوم (شهردار تهران) و در دوره هشتم به موقعيت سطح دوم (رياست جمهوری) ارتقا یافته است.

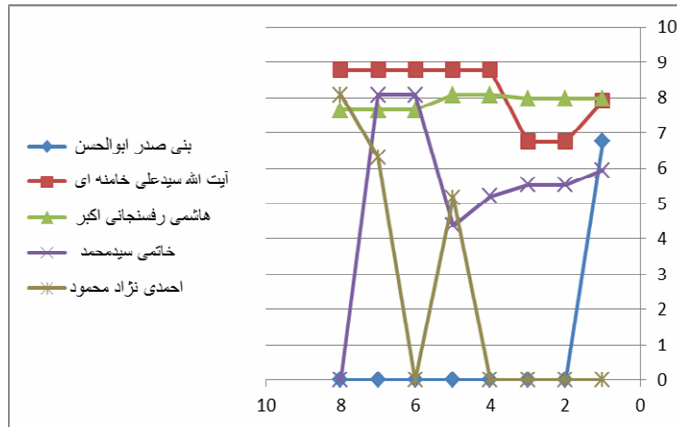
جدول ۲. نمرات موقعيت‌هاى شغلى رؤسای جمهور در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)

دوره ها								رؤسای جمهور
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	
۷/۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	بنی صدر ابوالحسن ^۲
۷/۹	۶/۷۶	۶/۷۶	۸/۷۸	۸/۷۸	۸/۷۸	۸/۷۸	۸/۷۸	آیت‌الله خامنه‌ای سيدعلی
۷/۹۷	۷/۹۷	۷/۹۷	۸/۰۷	۸/۰۷	۷/۶۵	۷/۶۵	۷/۶۵	هاشمی رفسنجانی اکبر
۵/۹۴	۵/۵۲	۵/۵۲	۵/۲۱	۴/۳۸	۸/۰۷	۸/۰۷	۰	خاتمی سيدمحمد
۰	۰	۰	۰	۵/۱۷	۰	۶/۳۲	۸/۰۷	احمدی‌نژاد محمود

^۱ منظور از موقعيت بالای سياسى در اين مطالعه موقعيت بالاتر از حد مديرکل است.

^۲ نمره بنی صدر در دوره اول متعلق به نمره موقعيت شورای انقلاب (جدول ۱) او است، لذا از نمره ریاست جمهوری بالاتر است.

نمودار ۲. تحرک موقعیت سیاسی رؤسای جمهور در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)



همچنین ارتقای ارزش موقعیت ریاست جمهوری پس از اصلاح قانون اساسی نسبت به ده ساله قبل در جدول و نمودار بالا نشان داده شده است. روند تغییرات ارزش موقعیت چهار رئیس قوه قضائیه^۱ پس از پیروزی انقلاب در جدول و نمودار ۳ درج شده است. به استثنای اولین رئیس قوه قضائیه (محمدحسین بهشتی) که فقط یک دوره (اول) در این موقعیت حضور داشته و به شهادت رسیده است، دومین رئیس (عبدالکریم موسوی اردبیلی) نیز از دوره چهارم از موقعیت‌های سیاسی فاصله گرفته است. سومین رئیس (محمد یزدی) از ابتدای پیروزی در موقعیت‌های سوم و دوم در حرکت بوده است. و بالاخره چهارمین رئیس قوه (محمود هاشمی شاهرودی) که در دوره پنجم به موقعیت‌های بالای سیاسی وارد شده، و یکبار در سطح سوم قرار گرفته است. وی بلافاصله (در فاصله یک دوره) در موقعیت سطح دوم منصوب شده است.

^۱ در سال‌های اول رئیس دیوان (یا شورای) عالی قضایی در حکم ریاست قوه بود، سپس این دو موقعیت از هم تفکیک شد.

جدول ۳. نمرات موقعیت‌های شغلی رؤسای قوه قضائیه در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)

دوره ها								رؤسای قوه قضائیه
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم ^۱	هفتم	هشتم	
۷/۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	حسینی بهشتی، سیدمحمدحسین ^۲
۷/۹	۷/۲۹	۷/۲۹	۰	۰	۰	۰	۰	موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم
۵/۴۵	۵/۴۵	۵/۶۲	۶/۶۸	۶/۶۸	۶/۶۸	۴/۴۵	۵/۷۵	یزدی، محمد
۰	۰	۰	۰	۵/۵۷	۶/۶۸	۶/۶۸	۶/۶۸	هاشمی شاهرودی، سیدمحمود

نمودار ۳. تحرك موقعیت سياسى رؤسای قوه قضائیه در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)



در جدول و نمودار ۳، تنزل موقعیت ریاست قوه قضائیه در مقطع سال ۱۳۶۸ (اصلاح قانون اساسی) نشان داده شده است.

تغییرات ارزش موقعیت و چگونگی و میزان تحرك رؤسای قوه مقننه در جدول و نمودار ۴ نمایش داده شده است. اکثر رؤسای قوه مقننه (به استثنای علی لاریجانی) از ابتدای پیروزی انقلاب در مجموعه مسئولان سیاسی حضور داشته‌اند. اولین رئیس (اکبر هاشمی رفسنجانی) با فاصله از دیگران و با اندکی فراز و نشیب همواره در موقعیت سطح دوم باقی مانده است.

^۱ ریاست قوه قضائیه در میانه دوره ششم تعویض شده است.

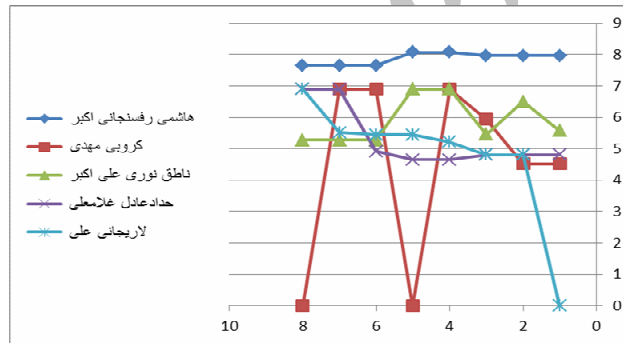
^۲ نمره آیت‌الله بهشتی و موسوی اردبیلی در دوره اول متعلق به نمره موقعیت شورای انقلاب (جدول ۱) آن‌ها می‌باشد، لذا از نمره ریاست قوه بالاتر است.

دومین رئیس مجلس (مهدی کروبی) با فراز و نشیب بسیار از سطح چهارم در دو دوره اول به سطح سوم و دوم رسیده است. وی با فاصله یک دوره که از موقعیت‌های (رسمی) سیاسی کناره‌گیری کرد، مجدداً در موقعیت سطح دوم (ریاست مجلس) قرار گرفت. سومین رئیس مجلس (علی اکبر ناطق نوری) نیز با فراز و نشیبی اندک در موقعیت‌های سطح چهارم تا دوم بوده است. چهارمین رئیس (غلامعلی حداد عادل) تا رسیدن به ریاست قوه مقننه همواره در موقعیت‌های سطح چهارم بوده است. آخرین رئیس (علی لاریجانی) که از دوره دوم به مجموعه مسئولان وارد شده است، تا دوره هفتم در سطح دوم، و در دوره هفتم به سطح سوم، و در دوره هشتم مجدداً به سطح دوم (ریاست مجلس) ارتقا (تحرك صعودی) یافته است.

جدول ۴. نمرات موقعیت‌های شغلی رؤسای قوه مقننه در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)

دوره‌ها								رؤسای قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی)
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	
۷/۹۷	۷/۹۷	۷/۹۷	۸/۰۷	۸/۰۷	۷/۶۵	۷/۶۵	۷/۶۵	هاشمی رفسنجانی اکبر
۴/۵۲	۴/۵۲	۵/۹۴	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۰	کروبی مهدی
۵/۵۷	۶/۵	۵/۴۵	۶/۹	۶/۹	۵/۲۷	۵/۲۷	۵/۲۷	ناطق نوری علی اکبر
۴/۸۱	۴/۸۱	۴/۸۱	۴/۶۵	۴/۶۵	۴/۹۱	۶/۹	۶/۹	حداد عادل غلامعلی
۰	۴/۸۱	۴/۸۱	۵/۲۱	۵/۴۴	۵/۴۴	۵/۵۲	۶/۹	لاریجانی علی

نمودار ۴. تحرك موقعیت سیاسی رؤسای قوه مقننه در هشت دوره (۸۸-۱۳۵۷)



تنزل ارزش موقعیت قوه مقننه از دوره چهارم (۱۳۶۸) در جدول و نمودار ۴ نشان داده شده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در نظام قشربندی جایگاه مسئولان سیاسی و تصمیم‌گیران کلان در بالاترین سطوح ساختار سلسله‌مراتبی جامعه قرار دارد. این گروه از افرادی تشکیل می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اداره و تنظیم امور حکومت نقشی اساسی دارند و قادراند ساختار کلی جامعه و نقش دیگر اعضا را تا حدود زیادی تعیین کنند. توفیق جوامع در دستیابی به اهداف ماکول به توانایی و شایستگی مسئولان سیاسی است، و این امر به امکان تحرک اجتماعی وابسته است. پارتو معتقد است تحرک اجتماعی برای تعادل جامعه اهمیت حیاتی دارد.

در ایران مقیاسی برای سنجش ارزش موقعیت و تحرک در سطح مسئولان سیاسی وجود نداشته است. از این رو مطالعه میزان و نوع تحرک مسئولان سیاسی امری ضروری است.

در این مقاله ضمن ارائه الگویی برای نحوه سنجش میزان تحرک مسئولان سیاسی، مراحل ساخت آن توضیح داده شده است. مقیاس به‌دست آمده نشان‌دهنده سلسله‌مراتب موقعیت‌های بالای سیاسی در سطح فاصله‌ای است.

برای ساخت این الگو ابتدا با مراجعه به قانون اساسی، و لوایح و قوانین بودجه، ساختار کلی سلسله‌مراتب قدرت مشخص شده است. در مرحله بعد با پرس‌وجو از مطلعان کلیدی توسط پرسش‌نامه‌ای استاندارد شده و محاسبه میانگین نظرات آن‌ها، نمرات ارزش موقعیت‌های سیاسی و مقیاس سنجش تحرک به دست آمده است.

در ساختن این مقیاس تلاش شده پیچیدگی‌های خاص نظام سیاسی لحاظ شود و باوجود تعدد، عدم شفافیت و ناهماهنگی در حقوق و وظایف موقعیت‌ها، از صاحب‌نظران (مصاحبه‌شوندگان) خواسته شد نظرات خود را بر اساس تجارب شخصی از واقعیت موجود (و نه ساختار رسمی) ابراز کنند، لذا به نظر می‌رسد نمرات به‌دست آمده نشان‌دهنده ارزش واقعی موقعیت‌های سیاسی باشد (جدول ۱).

کاربرد این مقیاس راهگشای فعالیت پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه قشربندی اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی است و می‌تواند در مسیر سنجش میزان و علل تحرک صاحبان مناصب بالای سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

این مقیاس متناسب با شرایط خاص ایران (بومی‌سازی) و ناظر به ساختار سیاسی (سه دهه) پس از پیروزی انقلاب ایران ساخته شده است، و برای تعیین ارزش موقعیت‌های سیاسی و سنجش تحرک مسئولان سیاسی نظام جمهوری اسلامی کاربرد دارد.

منابع

- ازغندی علیرضا (۱۳۷۶) *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران: قومس.
- ازغندی علیرضا (۱۳۸۵) *درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران*، تهران: قومس.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۸) *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: باز.
- باتامورا، تامس برتون (۱۳۶۹) *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دانشگاه تهران.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- خواججه سروی، غلامرضا (۱۳۸۵) *خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶) *توسعه و تضاد - کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰) *آنانومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷) *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*، ترجمه پرویز صالحی و سلیمان امین‌زاده و زهرا لبادی، تهران: چاپخش.
- صحیفه امام، (۱۳۸۴) *مجموعه ۲۲ جلدی (نسخه ۳)*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (نرم افزار).
- قانون اساسی و اصلاح ۱۳۶۸ <http://www.shora-gc.ir/portal/Home>
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی؛ با تکیه بر مطالعه موردی شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۴، ۱۳۹-۱۷۲.
- گزارش «کنکاشی در ردیف‌های متفرقه (متمرکز) بودجه»، بهمن ۱۳۸۳، دفتر مطالعات برنامه بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، شماره ۴۲: ۱۶۰-۱۴۹.
- میلز، سی رایت (۱۳۸۳) *نخبگان قدرت*، تهران: فرهنگ مکتوب.

ویر، ماکس (۱۳۸۲) دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.

- Andrews, Dan and Leigh, Andrew (2007) *More Inequality, Less Social Mobility*, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1011695>.
- Beller, Emily & Michael Hout (2006) "Intergenerational Social Mobility: The United States in Comparative Perspective", *The Future of Children*, 16: 19-36.
- Bourdieu, Pierre (1979) *Distinction, A Social Critique of the Judgement of Taste*, (Translate by Richard Nice 1986), London: Routledge & Kagan Paul Ltd.
- Bourdieu, Pierre (1996) *The State Nobility*", Translated by Loretta C. Clough Foreword by Loic J. D. Wacquant, NJ: Blackwell Publishers.
- Mills, Charles Wright and Alan Wolfe (1956) *The Power Elites*, Oxford: Oxford University Press.
- Domhoff, William (2002) *Who Rules America? Power and Politics*, (Forth Edition), NY: McGraw-Hill Higher Education.
- Foreman-Peck, James and Smith Julia A. (2004) "Business and Social Mobility into the British Elite 1870-1914", *The Journal of European Economic History*, 33 (3): 485-519.
- Goux, Dominique and Eric Maurin (1997) "Meritocracy and Social Heredity in France: Some Aspects and Trends", *ESR*, 13 (2): 159-177.
- Homayoun Katouzian, Mohammad Ali (2003) *Iranian History and Politics - The Dialectic of State and Society*, London: Routledge Curzon.
- Simpson, John & Edmund Weiner (eds) (2000) *Oxford Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.
- Scott, John (2007) "Power, Domination and Stratification: Towards a Conceptual Synthesis", *Sociologia, Problemas E Praticas*, 55: 25-39.
- Torche, Florencia (2005) "Unequal but fluid: Social Mobility in Chile in Comparative Perspective" *ASR*, 70 (June): 422-450.
- Weakliem, David L. (1992) "Does Social Mobility Affect Political Behaviour?" *European Sociological Review*, 8 (No) 2 153-165.